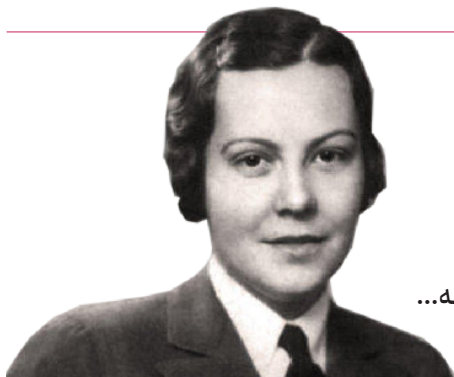


## صابیحا، بانوی آسمان

سرگذشت اولین خلبان نظامی زن در جهان

«ای شعرای صاحب دیوان از گورستان‌ها برخیزید و دختران ترک را نگاه کنید که چگونه...»



سال پنجم • شماره ۱۳۴ • دوشنبه ۹ حمل ۱۴۰۰

نام مادر در انتظار تصمیم رهبری وزارت معارف

## آیا درج نام مادر هنوز هم ننگ است؟

۲

صفحه ۲

لزوم آموزش جنسی برای مقابله با تجاوز محارم در گفتگوبا سمیه محمودی، مشاور خانواده

## سکوت

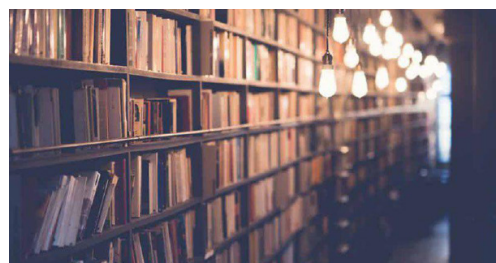
در برابر تجاوز محارم  
به بهانه آبروداریقتل هدفمند زنان،  
بردگی جنسی یا وظیفه  
زناشویی، شلاق پولیس  
به جان زن؟

صفحه ۳

زندگی خصوصی و عمومی  
معماری تفکیک جنسیتی

صفحه ۳

معماری تفکیک جنسیتی بر مبنای تقابل‌های دوگانه شکل گرفته است. تقابل‌های دوگانه نوع شناخت ما را نسبت به تفکیک جنسیتی نیز شکل می‌دهند...

بسیاری از ما  
در انتظار مرگ هستیم  
خاطرات یک دختر جوان

صفحه ۳



## چرا هیچ مکانی در افغانستان به نام زنان تاریخ‌ساز نیست؟

رویکرد نیمرخ

انداختند تا همچون دیگر زنان ارزگان به دست لشکریان عبدالرحمان خان (پادشاه افغانستان) اسیر و در بازار برده‌فروشی کابل فروخته نشوند. ملالی قندهاری که از خاکش در مقابل انگلیسی‌ها دفاع کرد. در جنگ میوند، ملالی نقش آبرسانی به لشکر را داشت، از آنجایی که نیروها در مقابل انگلیس رو به شکست بودند، وی با سرودن لندی پشتو به سپاهیان نیرو و دلگرمی می‌داد. سروده‌های ملالی باعث تقویت روحیه نیروهای رزمی و در نتیجه باعث پیروزی در مقابل انگلیس شد. همین‌طور «آبه میرزا» یا به عبارتی دختر مالستانی که آوای فرهنگ و ادب در مالستان غزنی است و صدایش از شهری به شهر دیگر، علاقمندان بسیاری دارد. زنی که تحت فشار روحانیان و مخالفان صدای زن قرار داشت، زنی که صدای زن را از پشت پرده‌های تابو و ننگ به نوایی روح‌افزا تبدیل کرد و بخاطر این تابوشکنی رنج و آوارگی به جان خرید.

«آی خانم» در تخار، نام زنی که ریشه در اساطیر زن در دوره باستان دارد. امروز همان‌طور که می‌بینیم، زنان با وجود داشتن شخصیت‌های تاریخی، همچنان که در حاشیه تاریخ باقی مانده است، نامشان هم کم‌کم به فراموشی سپرده می‌شود. لازم است، حداقل در اماکن عمومی شامل اماکن بزرگ فرهنگی-هنری، دانشگاه‌ها و فرودگاه‌های شهرهایی که بزرگ‌بانوهای تاریخ‌ساز را در خود دارد، بنام این زنان مسما شود تا باشد که از حافظه تاریخی مردم، این زنان برای همیشه به فراموشی سپرده نشوند.



این میان رابعه و گوهرشاد تنها نیستند. در ارزگان، شیرین، زنی که فن تیراندازی آموخته بود و قلعه علی مردان را به قلعه تسخیرناپذیر تبدیل کرد، گویی که تسخیر قلعه شیرین برابر با تسخیر ارزگان بود. او با نیروهایش به جنگ با امیرآهین رفت و تا پای جان در این قلعه جنگید و عاقبت در چند قدمی اسارت، او و چهل دختر همراهش به مرتفع ترین قلعه کوه رفتند و از آنجا خود را به پایین قلعه

در پایان ماه مارچ سال ۲۰۲۱ قرار داریم، ماهی که در بسیاری از نقاط جهان به عنوان «ماه تاریخچه زنان» به شمار می‌رود تا در این ماه، مسئولان در کشورهای مختلف، مشارکت و نقش زنان در رویدادهای تاریخی را مورد بررسی و تأکید قرار دهند. ما به تاسی از این نام‌گذاری، مناسب دانستیم، یادی کنیم از زنان تاریخ‌ساز افغانستان، زنانی که در دوره قدیم‌تر از امروز، تکلیف جنگ و صلح را روشن کردند و پایه‌ای برای فرهنگ و تمدن در این سرزمین داشتند.

رابعه بلخی و گوهرشاد بیگم، دو بزرگ بانویی بودند که شهرهای تاریخی و فرهنگی بلخ و هرات و امداد زحمات و اندیشه این زنان بود، اما امروز در گوشه‌ای از این شهرها آرمیده‌اند با یک مشت خاکی که به نام مقبره آن‌ها یاد می‌شود، نه بنای یادبودی و نه هیچ مکانی به نام آن‌ها نیست. رابعه بلخی با اشعار پرمایه و پرسوز و گدازش، سمبول عشق زنانه بود و زن تابوشکنی که در مسیر تابوی عشق زنانه با جان‌ش بها پرداخت و اینگونه شد که چهره فرهنگی بلخ علاوه بر مولانا با آواز یک زن قرین شد.

گوهرشاد زنی که کمتر از نیم قرن، فرمانروای این خاک و بوم بود و به تعبیر برخی مورخان، با همسرش سلطان شاهرخ تیموری آغازگر یک رنسانس فرهنگی بود. او بود که مسجد و مدرسه و خانقاه ساخت.

وقتی به هر گوشه این سرزمین نظری بیاندازیم، جای انگشت‌های هنرمندانه یا نشان تیغ زنی نقش بسته است که تاریخ این سرزمین را ساخته‌اند. در



# سکوت در برابر تجاوز محارم به بهانه آبروداری

## لزوم آموزش جنسی برای مقابله با تجاوز محارم در گفتگوبا سمیه محمودی، مشاور خانواده

● **کچ حسین احمدی**

● هنوز چند سال از افشای تجاوز چندین ساله پدر خاطره بر وی گذشته است، دختری که قتل و ترور را بر جان خرید تا دیگر کسی در خانواده و در بین اطرافیان وی قربانی تجاوز محارم نشود. این خبر شوک زیادی را بر جامعه افغانستان وارد کرد. خاطره با تلاش‌های بسیار و حمایت تعدادی از مدافعان حقوق زن توانست پدرش را به دادگاه بکشاند. بعدها او موضوع اصلی فیلم «هزار و یک زن، چون من» شد و شرح موقعی که بر او رفته بود، در فیلم به نمایش درآمد تا به جامعه افغانستان بار دیگر لزوم شکستن سکوت در برابر تجاوز محارم بر زنان و اینکه هزاران زن در جامعه افغانستان قربانیان خاموش تجاوز محارم هستند را گوشزد کند. شجاعت خاطره فقط در خاطره جامعه افغانستان ماند اما هنوز در جامعه افغانستان هیچ زنی نتوانسته است مانند خاطره، سکوت را در برابر تجاوز محارم بشکند. آیا با ختم به خیر شدن پرونده خاطره، دوسیه‌های تجاوز به محارم در افغانستان بسته شدند؟ آیا دیگر زنی در جامعه ما مورد تجاوز محارم قرار نگرفت؟ قانون در افغانستان چقدر از زنان تجاوززیده محارم حمایت می‌کند؟ برآستی چرا برای جامعه‌ای که زنان و دختران آموزش می‌بینند که خانه تنها پناهگاه آنان است و محارم تنها حامیان آن‌ها در مقابل تعرض از سوی دیگران است. برخی از همین زنان در پناهگاه خود و از طرف حامی خود تعرض می‌بینند؟ این‌ها موضوعاتی است که در این گزارش به آن می‌پردازیم.

### ● تجاوز در کودکی

سمیه محمودی، مشاور خانواده در این باره به نیمرخ می‌گوید: «به عنوان یک مشاور خانواده به قضایایی برمی‌خورم که از آزار و تجاوز جنسی محارم می‌گویند. میزان این قضایا خیلی زیاد نیست، اما قابل چشم‌پوشی نیست. منظور از زیاد نیست به این معناست که مفاهیمی به نام «شرم» و «حیا» برای قربانیان اجازه نمی‌دهد که این مورد سخن بگویند. این تیپ از قربانیان زمانی که به خاطر یک مشکل دیگر مانند واژینسم یا ترس از ازدواج و یا مشاوره قبل از ازدواج نزد ما مراجعه می‌کنند، خیلی سخت از دوره کودکی‌شان سخن می‌زنند. ما با پرسش‌های بیشتر درمی‌یابیم که از آن‌ها در کودکی سوءاستفاده شده و مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند؛ شدت این آزار متفاوت است، ممکن است در حد تجاوز باشد یا در حد لمس، بوسه و نگاه بیجا.»

**«فکر می‌کردم سکس، بخشی از رابطه‌ی خواهر-برادری است»**

بگفته وی، زنان و کودکان (پایینتر از ۱۸ سالگی) همواره در معرض آزار و خشونت جنسی قرار دارند. اما بیشترین موارد آزار جنسی از سوی محارم در دوره کودکی اتفاق می‌افتد. در افغانستان آمار دقیقی وجود ندارد، اما با توجه به قضایایی که ما در دفتر مشاوره برمی‌خوریم اکثریت رویدادهای آزار جنسی از سوی محارم در دوره کودکی رخ می‌دهد. خانواده‌های پرنفوس و زندگی جمعی امکان آزار جنسی را بیشتر می‌کند. اما خانه‌های خلوت هم فضا را برای کودکان به ویژه دختران ناامن می‌سازد. ما مراجعی

داشتیم که می‌گفت «تا خیلی سال‌ها فکر می‌کردم داشتن رابطه جنسی بخشی از رابطه خواهر-برادری است و سال‌ها تجاوز جنسی از سوی برادرم را تحمل کردم و ساکت ماندم.» همین‌گونه مراجع دیگری که فکر کرده بودند داشتن رابطه جنسی با پدر یک روال طبیعی است.

### ● «از مال خوب اول باید صاحبش استفاده کند»

یکی از روزنامه‌های چاپ کابل چند وقت پیش نقل قول از دختر آزارزیده‌ای منتشر کرد که پدرش با خواهش و زور خواسته بود که با وی ارتباط جنسی برقرار کند. توجیه پدر این است که «از مال خوب اول باید صاحبش استفاده کند».

بعد از امتناع‌های مکرر دختر، سرانجام پدر با خوردن داروی خواب آور به وی تجاوز می‌کند، بعد از تجاوزهای مکرر سرانجام دختر تصمیم بر خودکشی می‌گیرد.

### ● قانون چه می‌گوید؟

در کد جزای افغانستان درباره تجاوز محارم آمده است که این نوع تجاوز از جمله حالات مشدد تجاوز جنسی محسوب می‌شود. در صورتی متجاوز محکوم به اعدام می‌شود که قربانی بر اثر تجاوز کشته شده باشد.

### ● راهکارهای مبارزه با «آزار جنسی از سوی محارم»

سمیه محمودی می‌گوید: «بیشتر قضایای تجاوز جنسی محارم به خاطر نداشتن سواد جنسی صورت گرفته است. برخی از خانواده‌ها حتا نمی‌توانند صحبت کنند که چنین اتفاقی ممکن است در خانه‌شان رخ دهد. البته که در درون خانه آزار جنسی به ویژه تجاوز بر دختر و پسر اعمال می‌شود. ولی مردسالاری حاکم بر جامعه اجازه نمی‌دهد این قضایا فاش شود. در حالی که اگر آزار جنسی از سوی یک بیگانه صورت بگیرد نه تنها که اعتراض و دادخواهی صورت می‌گیرد بلکه ممکن است برای انتقام‌گیری جنگ و کشتار هم راه بیفتد. اما زنان و کودکانی که در درون خانه از سوی نزدیکانش مورد

آزار جنسی قرار می‌گیرند، جرأت اعتراض ندارند. مادری که از تجاوز جنسی شوهرش بر دختر خود خبر داشت، به ما می‌گفت ترجیح دادم این اتفاق بیفتد تا از اتفاقات بدتر از آن جلوگیری شود. ترس از آبروریزی برای مادر آن دختر اتفاقات بدتر تعبیر می‌شد. چندی پیش به گزارشی برخوردیم که نشان می‌داد دختری از پدرش سه فرزند دارد ولی هیچ یک از اعضای خانواده جرأت نمی‌کنند در این مورد سخن بگویند. قدرت مردان و شرم و حیایی که از مردسالاری نشأت می‌گیرد باعث سکوت قربانیان آزار جنسی در درون خانه است.»

### ● فقدان تربیت جنسی کودکان

این مشاور خانواده درباره تربیت جنسی کودکان می‌گوید: «در هر کدام از مراحل رشد کودک روش‌های خاصی برای تربیت وجود دارد. اما کودک باید آموزش ببیند که اعضای بدن او شامل کدام اندام‌هاست و بفهمد که بدنش متعلق به خود اوست و هیچ کسی حق ندارد بدون اجازه لمسش کند. در دوره‌های تربیتی باید کودکان آموزش ببینند که چگونه اندام‌های جنسیش را مضمون نگه دارد و در صورت تعرض یک فرد و یا رفتارهایی را که نشانه‌های خشونت دارد به معتمد (مادر) یا دیگران گزارش دهد.»

وی می‌افزاید: «خانواده‌ها باید خودشان سواد جنسی داشته باشند تا به فرزندانشان آموزش دهند. اما با توجه به وضعیت جامعه ما باید گفت که در افغانستان بهترین راهکار تربیت جنسی این است: دانشکده‌های روانشناسی در همکاری با دفترهای مشاوره جزوه‌های آموزش مسایل جنسی برای مراحل مختلف تهیه کنند. این جزوه‌های آموزشی باید به عنوان مضامین ضمنی از طریق مکتب، کودکان، دانشگاه، رسانه‌ها و در روستاها از طریق ورکشاپ‌ها برای مردم آموزش داده شود.»

وی ادامه می‌دهد: «در افغانستان حرف زدن درباره مسایل جنسی به خاطر شرم و



## نام مادر در انتظار تصمیم رهبری وزارت معارف

# آیا درج نام مادر هنوز هم ننگ است؟



● **کچ حسین احمدی**  
گزارشگر

حدود چهار ماه قبل، هفته‌نامه نیمرخ بحث درج نام مادر در اسناد معارف را مطرح کرد که وزارت معارف و وزارت امور زنان وعده داده بودند این موضوع را به گونه جدی پیگیری کنند.

در ۲۴ عقرب ۱۳۹۹ خورشیدی در شماره ۱۱۷ هفته‌نامه نیمرخ گزارشی با عنوان «در معارف افغانستان پسر کاکا و پسر ماما اقارب نزدیکتر از مادر اند» منتشر شد که بر اساس اسناد این گزارش، نام مادر در هیچ یک از اسناد وزارت معارف وجود ندارد.

حسینه صافی، سرپرست وزارت امور زنان، در گفتگو با نیمرخ وعده داده بود که این موضوع را به صورت رسمی با وزارت معارف در میان گذاشته، برای هویت زنان دادخواهی می‌کند.

لیلا سامانی، رئیس نشرات و عبدالصبور غفرانی، آمر مطبوعات وزارت معارف نیز گفتند که این موضوع را در آژندای رسمی وزارت معارف شامل می‌سازند تا از طریق بود رهبری وزارت تصمیم‌گیری شود.

اما روند تصمیم‌گیری هر دو وزارت بسیار طول کشید. چهارونیم ماه گذشته ولی تا هنوز وزارت امور زنان این موضوع را پیگیری نکرده است، البته در اسناد معارف هنوز هم جایی برای نام مادر ندارد؛ یعنی وزارت معارف نیز کاری نکرده است.

رویا دادر، سخنگوی وزارت امور زنان به نیمرخ گفت: «هفته جدید بخیر گپ می‌زنیم.»

نجیبه آرین، سخنگوی وزارت معارف نیز تأیید کرد که این وزارت تاکنون پیشنهادی مبنی بر درج نام مادر در اسناد معارف بخاطر ثبت هویت زنان از سوی وزارت امور زنان دریافت نکرده است.

او افزود که این موضوع از طرف بخش نشراتی وزارت معارف مطرح شده و در داخل وزارت این بحث به صورت ابتدایی و غیررسمی وجود دارد.

سخنگوی وزارت معارف تصریح کرد که این وزارت از هویت

زنان حمایت می‌کند اما تغییر فارمت اسناد نیاز به یک برنامه‌ریزی و طرح مسوده‌ی تازه دارد تا روی آن رایزنی شود و در صورت توافق در نام مادر در کنار دیگر اجزای هویت دانش‌آموزان و کارمندان معارف اضافه شود.

معلوم نیست که این پالیسی چه زمانی طرح و تدوین خواهد شد، ولی زنانی هستند که در افغانستان برای هویت خودشان کار کرده و منتظر وزارت‌های معارف و امور

زنان نشسته‌اند.

کتایون سلطانی، آموزگار یک مکتب خصوصی در شهر کابل است. او سال گذشته در فیسبوکش نوشته بود

که هویت زنان در جامعه‌ی ما ننگ پنداشته می‌شود،

از همین رو برای نخستین بار زمانی که نام مادر دانش‌آموزانم را ثبت حاضری کردم و یا به جای نام پدر، نام مادر شان را صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

او به نیمرخ گفته بود که درج نام مادر دانش‌آموزانش در جدول حاضری باعث شد که این کودکان دیگر از نام مادرشان ننگ نکنند.

این حرکت ادامه یافت و به تازگی لینا حیدری، یک آموزگار از ولایت هرات اطلاع‌نامه‌های دانش‌آموزانش را با نام مادرشان ترتیب کرده است.

خانم لینا حیدری که در لیسه پسرانه‌ی عبدالله هاتفی در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان

در شهر هرات مدرس است، به نیمرخ گفت: «هویت زنان



## هویت زنان در جامعه‌ی ما ننگ

پنداشته می‌شود، از همین رو برای

نخستین بار زمانی که نام مادر

دانش‌آموزانم را ثبت حاضری کردم

و یا به جای نام پدر، نام مادرشان را

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

صدا می‌کنم، خجالت می‌کشند.

حیای فرهنگی ممنوع است. در حالی که تجاوز و آزار جنسی هر روز اتفاق می‌افتد و حتا این کار از سوی محارم صورت می‌گیرد. جامعه نمی‌داند چگونه فرزندان به ویژه دختران شان از آزار جنسی مصون بمانند، اما روش‌ها و آموزش مصونیت جنسی را نیز نمی‌پذیرند. اقدام جدی از سوی نهادهای مسئول و حکومت، رسمی شدن آموزش جنسی برای مصونیت کودکان و زنان می‌تواند سطح خشونت‌های جنسی را کاهش دهد.»

به گفته وی، در وضعیت‌ی که هزارگاهی به قضایای تجاوز جنسی از سوی محارم برمی‌خوریم سخت است که تعیین کنیم به چه کسی اعتماد باید کرد. باید با استفاده از راهکارهای پیشگیری از آزار جنسی جلوگیری شود و مصونیت کودکان تضمین شود، اما زمانی که خشونت جنسی و تجاوز صورت گرفت، مدیریت وضعیت سخت است. مادر بیش از هرکسی در جهان قابل اعتماد است، به همین خاطر قربانی باید فوری به مادرش اطلاع دهد و مادر هم نباید خاموش بنشیند و فرزندش را قربانی مصلحت و نام و ننگ و شرم و حیا کند.

### ● فاش کردن تجربه آزار جنسی (با روانشناس و رسانه‌ها)

به گفته این مشاور خانواده، مشاور خانواده به عنوان فرد بی‌طرف و قابل اعتماد می‌تواند شنونده و رازدار خوبی برای قربانیان آزار جنسی باشد و به امنیت روانی فرد کمک کند. اگر فرد در خانه امنیت می‌داشت که قربانی تجاوز نمی‌شد، به همین خاطر مکان امن و فرد قابل اطمینان نیاز دارد؛ مشکل فیزیکی ناشی از تجاوز باید از طریق پزشک حل شود و مشکلات روانی با مشاوره و راهکارهایی حل خواهد شد که مشاور خانواده ارایه می‌کند. فریاد زدن در افغانستان بی‌صداست؛ چون جو جامعه به گونه‌ای است که به قربانی اجازه اعتراض نمی‌دهد وگرنه قربانی متهم می‌شود. فاش کردن رویدادهای آزار جنسی به ویژه آزار جنسی از سوی محارم با آنکه ممکن است پیامدهای بدی داشته باشد و امنیت فرد قربانی را با خطر مواجه کند، اما این یک آغاز است برای آگاهی مردم و زمینه‌ی اعتراض برای همه قربانیان خشونت جنسی را فراهم می‌کند.

شکستن سکوت می‌تواند از تکرار وقایع آزار جنسی و تجاوز جلوگیری کند. ما مراجعی داشتیم که در یک خانواده شش خواهر و چهار برادرشان باهم زندگی می‌کرده؛ پسر کلان خانواده بر هرشش خواهرش تجاوز کرده بود. خواهر بزرگ سکوت کرد، خواهر دومی نیز ساکت ماند و از برادرش باردار شد. همین‌طور تا کوچکترین دختر خانه. چرا این اتفاق افتاد؟ چون آن مرد آدم خوبی نبود ولی خواهر بزرگ هم در گسترش این اتفاق نقش داشته؛ چرا که در برابر تجاوز سکوت کرده بود. اگر اولی فریاد می‌زد روند تجاوز جنسی از سوی محارم به بقیه خواهرانش سرایت نمی‌کرد. فریاد زدن و فاش کردن این موارد می‌تواند آگاهی جمعی را بالا ببرد، مسئولان و کارشناسان این حوزه راهکاری پیشگیری را به مردم آموزش دهند و قربانیان نیز به عدالت دسترسی پیدا کنند.

# زندگی خصوصی و عمومی معماری تفکیک جنسیتی



طارق سعیدی

اگر کسی عصبانی باشد (یعنی عاطفی)، می‌گویند از دست چپ بلند شده است؛ به دست چپ، خود را بشویرید و با دست راست، غذا بخورید؛ با پای چپ به سرویس بهداشتی داخل شود و با پای راست بیرون شوید و صدها نمونه‌های دیگر نشان‌دهنده‌ی پست‌تر و فرودست‌تر بودن چپ در مقابل راست است.

به بررسی بگیریم ما با نوعی استعاره‌های مفهومی روبه‌رو خواهیم بود. مثلاً خاتمه‌نیا و دیگران در مقاله‌ی پژوهشی خود تحت عنوان «استعاره‌های جهتی در آغاز شاهنامه» به این موضوع چنین پرداخته‌اند: «یکی از مهم‌ترین و آشکارترین انواع استعاره مفهومی، استعاره‌های جهتی یا فضایی هستند که با جهت‌هایی مانند بالا، پایین، راست، چپ، درون، بیرون، مرکز و پیرامون در ارتباط است. اکثر



مفاهیم بنیادی‌مان براساس یک یا چند استعاره فضایی سازمان‌بندی شده‌اند» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۶: ۴۳). این استعاره‌ها در تجربه فیزیکی و فرهنگی انسان ریشه دارند و تصادفی یا ازهم‌گسیخته نیستند، بلکه نظام‌مندی درونی و بیرونی دارند؛ یعنی هم جهت‌جفت با هم تقابل دارند و هم ارتباط استعاره‌های گوناگون با هم نشان می‌دهد که نوعی انسجام و نظام‌مندی بیرونی دارند. به عنوان مثال، احساس رضایت‌مندی کلی را با جهت بالا نشان می‌دهند؛ شادی، سلامتی، تسلط، موقعیت خوب و زنده بودن بالا هستند (همان: ۴۴). این استعاره‌ها از بدن انسان نشأت می‌گیرند؛ به این معنا که در آن‌ها بدن انسان نقطه صفر فضایی در نظر گرفته می‌شود و جایگاه و جهت امور گوناگون نسبت به آن تعیین می‌شود. برای مثال، در جمله «روحیه‌اش پایین آمده است»، شرایط نامطلوب روحی در پایین توصیف می‌شود. البته این تجارب فیزیکی ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد (Guerra & Jesus, 2009). غم در پایین است، زیر

قسمت سوم  
تقابل‌های دوگانه و کتاب‌خانه‌ی عامه  
معماری تفکیک جنسیتی بر مبنای تقابل‌های دوگانه شکل گرفته است. تقابل‌های دوگانه نوع شناخت ما را نسبت به تفکیک جنسیتی نیز شکل می‌دهند. در دو نبشته‌ی قبلی به صورت ضمنی به تقابل‌های دوگانه پرداخته‌ام. یکی از تقابل‌های دوگانه زندگی خصوصی و عمومی است که انسان را به دو تیکه‌ی انسان فردی و انسان اجتماعی تقسیم می‌کند. اما این تقابل از نوع تقابل متضاد بوده و برابر نهاد آن، ادغام زندگی خصوصی در زندگی عموم به نفع زندگی عموم خواهد بود. زندگی عمومی در بطن خود، ضد خود را یعنی زندگی خصوصی (خانواده) را به وجود آورد و این تضاد هزاران سال است که وجود دارد و زنان را به درون زندگی خصوصی محبوس کرده است. حال ضرورت تاریخی حکم می‌کند که برای رهایی زنان، نقش‌های خانواده به زندگی عمومی انتقال داده شود و زندگی عمومی در سطح عالی‌تر ادامه پیدا کند.

یکی دیگر از تقابل‌هایی که در درون نشانگان فرهنگی جامعه‌ی پدرسالار ما وجود دارد، تقابل چپ و راست است. اگر نگاهی کوتاه به باورها، ادبیات، فرهنگ و سیاست خودمان بیندازیم، متوجه خواهیم شد که یکی از دوگانه‌های به هم بسته (چپ) از جایگاه پست‌تر و فرودست‌تر نسبت به دوگانه‌ی دیگر (راست) برخوردار است. این دوگانه‌ها نظامی از نشانه‌ها را تشکیل می‌دهند که در بحث تفکیک جنسیتی تن زن را هدف قرار داده و به حوزه‌ی خصوصی یا در جایگاه پست‌تر قرار می‌دهند. به طور نمونه در روایت‌های دینی حوا از چپ آدم به‌وجود آمد؛ وزیر دست راست از جایگاه بالاتری نسبت به وزیر دست چپ برخوردار بوده است به این شعر از فردوسی توجه کنید:

به دست چپ خویش برجای کرد  
ز رستم همی مجلس‌آرای کرد  
جهان دیده گفت این نه جای من است  
به جای نشینم که رای من است

اگر کسی عصبانی باشد (یعنی عاطفی)، می‌گویند از دست چپ بلند شده است؛ به دست چپ، خود را بشویرید و با دست راست، غذا بخورید؛ با پای چپ به سرویس بهداشتی داخل شود و با پای راست بیرون شوید و صدها نمونه‌های دیگر نشان‌دهنده‌ی پست‌تر و فرودست‌تر بودن چپ در مقابل راست است. البته در تمام گفت‌وگوهای اجتماعی چپ از جایگاه فرودستی برخوردار نبوده است. به طور نمونه در ادبیات مارکسیستی چپ از جایگاه بالایی برخوردار است که حتی نوعی هویت و کنش مارکسیست‌ها را نشان می‌دهد که در مقابل نظم موجود به اعتراض پرداخته‌اند و این اعتراض تا سطح این تقابل نیز گسترش پیدا کرده است. اگر بخواهیم همین مسایل را از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی

## قتل هدفمند زنان، بردگی جنسی یا وظیفه زناشویی، شلاق پولیس به جان زن؟



جمیله احمدی

گزارشگر

یک سرباز پولیس سرحدی گذرگاه تورخم به جرم شلاق زدن یک زن برای همیشه از نظام اخراج شد. طارق آربن، سخنگوی وزارت داخله شلاق زدن زنان را فرهنگ طالبانی و عامل آن را تروریست خوانده است.

یک مرد به دلیل تجاوز به دختر ۸ ساله در کابل توسط پولیس بازداشت شد. به گفته مادر این دختر یک قاری به دخترش را ابتدا به بهانه ثبت نام فرا خوانده و سپس به او تجاوز کرده است.

یک زن و دو کودک پس از اصابت مرمی هاوان در یک خانه مسکونی در ولایت بادغیس کشته شدند. به گفته نیروهای امنیتی این هاوان را طالبان پرتاب کرده‌است و تمام قربانی‌ها اعضای یک خانواده هستند.

شش غیرنظامی به شمول دو زن توسط گروه طالبان در ولایت فاریاب کشته شدند. در رویداد نخست طالبان دو نوجوان را تیرباران کردند و در رویداد دوم به یک منزل مسکونی در منطقه «جرقلعه» ولسوالی گزویان حمله کرده‌اند و چهار عضو خانواده‌ی یک سرباز ارتش را به قتل رساندند. نیروهای نظامی کشته شدن این افراد را تایید کرده‌اند.

به تازگی ۳۵ کشور خواستار توقف قتل‌های هدفمند زنان در افغانستان شده‌اند. این کشورها تحت نام «دوستان زنان افغانستان» در یک بیانیه مشترک افزایش قتل‌های هدفمند را در این کشور به شدت نکوهش کرده و خواستار پیگرد عاملان آن شده‌اند.

تیم ملی فوتبال زنان امریکا، به مناسبت روز «دستمزد برابر» در مراسمی در کاخ سفید شرکت کردند. برای اولین باره این روز به نام «دستمزد برابر» با هدف آگاهی‌رسانی در مورد تفاوت دستمزد میان زنان و مردان در سال ۱۹۹۶ توسط «کمیته ملی دستمزد برابر» امریکا راه‌اندازی شد. در این مراسم جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا و جیل بایدن، بانوی اول، نیز حضور خواهند داشت. در اثر پرتاب هاوان از سوی طالبان در ولایت بادغیس دو زن و یک دختر خردسال کشته شد و یک دختر خردسال دیگر زخم برداشت. این رویداد در ولسوالی مقر در درگیری بین طالبان و نیروهای امنیتی اتفاق افتاده است.

برنامه انکشاف ملل متحد از حضور کم‌رنگ زنان در گروه‌های کاری مبارزه علیه کرونا انتقاد کرد. به گفته این نهاد حضور مردان نسبت به زنان در مبارزه با این معضل بیشتر بوده و زنان به طور سیستماتیک از روند تصمیم‌گیری برای مهار ساختن این ویروس و تأثیرات آن دور نگه داشته شده‌اند.

کارگران زن در هند از آزار و اذیت جنسی در یکی از کارخانه‌های تولیدی موسوم به (HNM) پرده برداشتند. این سلسله افشاگری‌ها پس از مرگ جیاسری کاتیراول، دختر ۲۱ ساله‌ای کارگر در این کارخانه آغاز شد. جسد کاتیراول چند هفته قبل در نزدیکی خانه‌اش پیدا شده بود و رئیس وی به قتل متهم شده است. به گفته خانواده و همکاران کاتیراول او مدت‌ها بود که توسط رئیسش مورد آزار جنسی قرار می‌گرفته است.

تعدادی از زنان به دلیل فعالیت در شبکه‌های اجتماعی در عربستان بازداشت شدند. دلیل این دستگیری، تعقیب بازداشت‌شدگان سیاسی در عربستان گفته شده است.

زن فرانسوی که به دلیل انجام ندادن «تکلیف» وظیفه زناشویی و امتناع طولانی‌مدت از رابطه جنسی با شوهرش در سال ۲۰۱۹ متهم شده بود، نزد دیوان حقوق بشر اروپا درخواست تجدیدنظر کرد. گروه‌های طرفدار حقوق زن در فرانسه این رفتارهای قضایی را تاییدی برای بردگی جنسی زنان در این کشور دانسته‌اند و از این خانم حمایت کرده‌اند.

ویژگی طبیعی بدن انسان است که وقتی غمگین است، سرش را پایین بیندازد.

این تقابل‌ها تنها در زندگی خصوصی (خانواده) و خانه باقی نمانده در سطح زندگی عمومی به نفع جامعه‌ی پدرسالار گسترش پیدا کرده است. به طور نمونه در خانه و خانواده همیشه جایگاه بالا از پدر خانواده و مهمان است، زنان خانواده هیچ‌گاه این جایگاه را کسب نخواهند کرد، جز این که نقش پدریت را به عهده بگیرند.

این تقابل‌ها در زندگی عمومی به معماری تفکیک جنسیتی ظرافت خاص داده که حتی کسانی که دغدغه‌ی ستم بر زنان را دارند، به آن‌ها بی‌توجه هستند و حتی با این ادعا که چنین معماری به خاطر راحتی زنان است، در شناخت انتقادی و عمل اجتماعی را می‌بندند. چه بسا زنان زیادی نیز ناآگاهانه موافق چنین معماری هستند که ادامه دهنده‌ی معماری خانه در حوزه عمومی است.

به طور نمونه زمانی که وارد کتاب‌خانه‌ی عامه‌ی هرات می‌شویم دو جایگاه در سمت راست و چپ براساس معماری تفکیک جنسیتی مدنظر گرفته شده است. در میان این دو

جایگاه قفسه‌های کتاب قرار دارد. براساس زبان بدن حوزه‌ی اجتماعی ۱۲۰ تا ۳۶۰ سانتی‌متر و حوزه‌ی عمومی بیش از ۳۶۰ سانتی‌متر است (آن پیر، زبان بدن: ۲۴)، اما گویا کتاب‌خانه‌ی عامه به این موضوع نیز قناعت نکرده و فاصله را چیزی حدود ده متر مد نظر گرفته است. در زمان ورود، در سمت چپ کتاب‌خانه جایگاه زنان است و در مقابل یا آن در سمت راست جایگاه مردان. به نوعی هیچ‌گونه ارتباطی بین زن و مرد و چپ و راست وجود ندارد. اما در سطحی دیگر زن در جایگاه چپ یعنی فرودست و پست‌تر قرار دارد و مرد در جایگاه راست یعنی فرادست و بالاتر قرار دارد و از طریق این مفاهیم با هم در ارتباط اجتماعی هستند.

این تفکیک جنسیتی براساس استعاره‌های مفهومی لیکاف و مفاهیم متقابل دوسویه لاینز، جایگاه فرودست و پست‌تر (چپ) را به زنان اختصاص داده است، که تن خود را در آن جایگاه پست‌تر جای دهند. این مساله فرودستی زن را براساس ساختارهای شناختی و اجتماعی جامعه‌ی پدرسالار بازتولید می‌کند. این تفکیک به معنی آن نیست که کارگزاران وزارت اطلاعات و فرهنگ خودآگاهانه دست به چنین عملی زده‌اند، اتفاقاً این زاده‌ی ناخودآگاه جمعی کارگزاران وزارت اطلاعات و فرهنگ است که براساس همین تقابل‌ها عمل کرده است.

تقابل چپ و راست از نوع تقابل دوسویه است و به همین دلیل با نفی یکی از دوگانه‌ها به اثبات دیگری نمی‌رسیم، جز این که دست به شالوده‌شکنی زده و جایگاه این دو را عوض کنیم یا تنی که در یک سوی این تقابل قرار می‌گیرد به سوی دیگر برود. به همین دلیل سیاست خاموش دیگری که زنان برای مبارزه با معماری تفکیک جنسیتی می‌توانند، به کار گیرند؛ تغییر جایگاه خود در مکان‌های عمومی از چپ به راست است. این مبارزه نیازمند شکستن سکوت است و اعتراض نسبت به این که چرا چپ؟ یا این که جایگاه چپ را ارزش بیشتر از راست بدانند.

## بسیاری از ما در انتظار مرگ هستیم

خاطرات یک دختر جوان • قسمت ششم



را نجات دهیم. بچه‌های این محله با یک لباس نازک و کفش چوبی بدون پالتو، بدون کلاه، بدون جوراب و بدون کمک کسی تردد می‌کنند. شکم آن‌ها خالی است ولی یک هویج/زردک می‌چوند تا جلوی درد گرسنگی را بگیرند. آن‌ها خانه سرد خود را ترک می‌کنند تا از خیابان‌های سرد بگذرند و به مدرسه‌ای که باز سردتر است، برسند. بله، وضعیت هلند به قدری خراب شده که بچه‌ها برای گدایی یک تکه نان در خیابان جلوی عابران را می‌گیرند. می‌توانم ساعت‌ها از قفزی که در پی جنگ ایجاد شده صحبت کنم ولی این موضوع مرا بیشتر پریشان خواهد کرد. تنها راه این است که ما با آرامش در انتظار پایان این مصیبت‌ها

بمانیم. یهودیان مانند مسیحیان و همه مردم کره زمین انتظار دارند و بسیاری نیز در انتظار مرگ هستند.

شنبه ۳۰ جنوری ۱۹۴۳

### کیتی عزیزم

پیم هر روز در انتظار نیروهای متفقین است. چرچیل ذات‌الریه گرفته ولی رفته رفته حالش رو به بهبود است. گاندی استقلال طلب هندی، برای هزارمین بار دست به اعتصاب زده است. خانم فان دان ادعا می‌کند معتقد به قضا و قدر است. اما چه کسی هنگام بمباران از همه بیشتر می‌ترسد؟ خانم پترونلا فان دان، یان، نامه کشیشان مسیحی خطاب به همکیشانانشان را برایشان آورد. خیلی زیبا و الهام بخش بود: «هلندی‌ها، دست

شماره: «خاطرات آن فرانک» نوشته‌های یک دختر نوجوان یهودی است که در تابستان ۱۹۴۲ در زمان جنگ جهانی دوم در وحشت از نازی‌ها (طرفداران هیتلر) مجبور شد، همراه با اعضای خانواده‌اش در شهر امستردام به زندگی مخفی روی آورد.

در بیرون چیزهای وحشتناکی رخ می‌دهد. در هر ساعتی از شبانه‌روز یک مشت مردم بیچاره و بی‌پناه را به زور از خانه‌شان بیرون می‌کنند و فقط اجازه می‌دهند یک کوله‌پشتی و کمی پول با خودشان بردارند و تازه همان را هم وسط راه از آن‌ها می‌گیرند. همه اعضای خانواده را از هم جدا می‌کنند. مردان، زنان و بچه‌ها همه از هم جدا می‌شوند. بچه‌ها از مدرسه/مکتب به خانه برمی‌گردند و می‌بینند که والدینشان ناپدید شده‌اند. زنانی که برای خرید از خانه بیرون می‌روند هنگام بازگشت می‌بینند که خانه‌شان مهر و موم و خانواده‌شان ناپدید شده است. مسیحیان هلندی هم در اضطراب زندگی می‌کنند. چرا که فرزندان‌شان را به آلمان می‌فرستند. همه در وحشت به سر می‌برند. هر شب صدها هوایما از آسمان هلند عبور می‌کنند تا به شهرهای آلمان برسند و بمب‌هایشان را از آنجا بریزند.

در هر ساعت صدها یا شاید هزاران نفر در روسیه و یا آفریقا کشته می‌شوند. هیچکس نمی‌تواند خودش را از این جنگ مصون نگه دارد. همه کره زمین در جنگ است و هر چند اوضاع به نفع متفقین تغییر کرده، فعلاً معلوم نیست که جنگ کی به پایان برسد. باز ما افراد خوش‌شانسی محسوب می‌شویم. خوش‌شانس‌تر از میلیون‌ها نفر. ما جایمان امن و آرام است و با پول خودمان غذا می‌خریم. آنقدر خودخواه هستیم که در دوران بعد از جنگ و از مد جدید لباس‌ها و کفش‌هایی صحبت می‌کنیم در حالی که باید پول کنار بگذاریم تا بتوانیم بعد از جنگ به دیگران کمک کنیم و آن‌ها

پنج شنبه ۴ مارچ ۱۹۴۳

● صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: فاطمه روشنیان

● سردبیر و ویراستار: مریم شاهی / گزارشگران: حسین احمدی، لطفه موسوی و جمیله احمدی

● عکاس: حمیده مهردل / ترجمه: حافد عظیم یار / صفحه‌آرا: اسماعیل لعلی

● چاپ: مطبعه آسیا / توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

● به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.



## سامیه، اولین رئیس‌جمهور زن در آفریقا

هرازگاهی از روی احساسات و ناسنجیده حرف می‌زد، ولی او برعکس متفکر و سنجیده حرف می‌زند و همچنین شونده خوب و به مقررات و رسوم پسندیده پایبند است.

یک نماینده مجلس، جنوری ماکامبا که با او در دفتر معاون رئیس‌جمهور کار می‌کرد، وی را «محبوب‌ترین سیاستمدار در تانزانیا» خواند، وی همچنان افزود: «من تصمیم‌گیری‌ها و اخلاق کاری او را دیدم، او یک رهبر توانا است.»

در این هیچ شکی وجود ندارد که او به رئیس‌جمهور باوفا بود و از ارزش‌ها و موضع‌گیری‌هایش هرگز کنار نمی‌رفت.

در سال ۲۰۰۵ وقتی وزیر کار، رشد جنسیتی و اطفال در زنگبار بود، ممنوعیت مادران جوان را به مدرسه پس از زایمان لغو کرد. وقتی مگوفولی اصرار داشت که محدودیت مشابه در سرزمین‌شان اجرا شود، مشخص نیست که آیا او با موضوع‌شان در دولت مخالفت کرده است یا نه.

خانم حسن متولد سال ۱۹۶۰ در زنگبار است. لیسانسش را در رشته اداره عامه تانزانیا و تحصیلات فوق لیسانسش را در دانشگاه منچستر انگلستان به اتمام رسانیده است. او در سال ۱۹۷۸ با شخصی بنام حافدعمر ازدواج کرد و دارای چهار فرزند است.



در آن بخش مورد تمجید و ستایش قرار گرفت. از نظر شخصیتی او متفاوت از شخصیت مگوفولی، رئیس‌جمهور سابق این کشور است. مگوفولی

تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید به شهرت ملی رسید. نحوه مبارزه و مدیریت او در برابر بیماری همه‌گیری کوید ۱۹ و برخوردش با افراد مسئول



● ترجمه: حافد عظیم یار  
منبع: BBC

● پس از مرگ جان مگوفولی رئیس‌جمهور تانزانیا معاون او سامیه سولووهوسن روز چهارشنبه سوگند یاد کرد. حالا او رئیس‌جمهور کشور می‌باشد. اولین بار خانم سامیه سولووهو در سال ۲۰۱۵ بعنوان معاون رئیس‌جمهور انتخاب شد و سال قبل نیز بعنوان معاون رئیس‌جمهور انتخاب شده بود. بر اساس قانون اساسی دوره ریاست‌جمهوری وی ۴ سال است.

خانم سامیه سولووهو یگانه رئیس‌جمهور زن در آفریقا شده است. گرچه کشور اتیوپی هم رئیس‌جمهور زن دارد، اما مقام ریاست‌جمهوری در آن کشور برخلاف تانزانیا بیشتر تشریفاتی است. او به جمع اندک زنانی پیوست که کشورهايشان را رهبری می‌کنند. این خانم ۶۱ ساله بدون در نظر داشت جنسیت، اعتبار و احترام زیاد در بین جامعه تانزانیایی‌ها کسب کرده و مردم او را از روی احترام سامیه مادر می‌گویند.

او در انتخابات سال ۲۰۱۵ معاون یک نامزد ریاست‌جمهوری انتخاب شد و از چندین سیاستمدار برجسته حزب چماچاماپیندوری که از زمان استقلال سال ۱۹۶۱ به این سو به قدرت رسیده بود، پیشی گرفت. او بعد از گرفتن پست معاونت در مجلس ویژه

ک.حسین احمدی

برگی از تاریخ زنان

## وینی؛ نماد زنانه‌ی مبارزه با تبعیض نژادی به مناسبت سالروز مبارزه با تبعیض نژادی (آپارتاید)

بخاطر شهرت و محبوبیتش «ماما وتو/مادر ملت» لقب گرفت و تبدیل به نماد «مبارزه با آپارتاید» شد.

در دهه‌ی هشتاد که هنوز نلسون ماندلا در زندان بود، وینی جنجالی‌ترین معترض ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی بود. وینی به آدم‌ربایی و دست داشتن به قتل یک پسر ۱۴ ساله متهم شد ولی هیچ کدام را نپذیرفت. او مدام در تجمعات مردمی بر تأمین عدالت و برابری میان سفیدپوستان و رنگین‌پوستان تأکید می‌کرد و تلاش داشت بیزاری رنگین‌پوستان از عملکردهای نژادپرستانه‌ی حکومت را فریاد بزند.

وینی در خانه مادر بود، در بیرون کارگر، در جامعه رهبر و امید نسل آزادی‌خواه و در عرصه سیاست یک معترض ضد حکومتی بود. در سال ۱۹۹۰ نلسون ماندلا پس از ۲۸ سال مقاومت علیه ستم و سرکوب رژیم حاکم از سلول زندان بیرون شد و به جمع آزادی‌خواهان پیوست.

تصویری که دقایقی پس از آزادی نلسون ماندلا منتشر شد، او و همسرش وینی را باهم نشان می‌داد. وینی و همفرانش به اندازه‌ای کار کرده بود و ذهنیت عامه را برای پذیرش یک رنگین پوست به عنوان رهبر آماده ساخته بود که نلسون ماندلا چهار سال پس از آزادی به عنوان نخستین رییس‌جمهور رنگین‌پوست آفریقای جنوبی انتخاب شد.

دو سال از ریاست‌جمهوری نلسون ماندلا گذشته بود که وینی و نلسون از هم جدا شدند. ولی پس از طلاق نیز وینی تخلص خانوادگی ماندلا را روی خودش ماند و در زمان بیماری تا لحظه‌ی مرگ نلسون ماندلا از او پرستاری کرد.

آفریقای جنوبی او را در سال ۱۹۷۱ به زندان برد، دو سال بعد آزاد شد و باز تلاش کرد رهبری جنبش آزادی‌خواهان را به عهده بگیرد. در سال ۱۹۷۷ حکومت خانم وینی را از ژوهانسبورگ به حومه شهر تبعید کرد تا از فعالیت‌های سیاسی و بسیج مردم برای مبارزه با تبعیض نژادی باز بماند. وینی طی هشت سال تبعید داخلی هم آرام نماند و تا آنجا برای بسیج مردم علیه نژادپرستی کار کرد که هنگام برگشت به ژوهانسبورگ

می‌شد. نلسون ماندلا در سال ۱۹۶۲ به زندان رفت و مسوولیت پرورش دو دختر این زوج جوان به عهده وینی افتاد. البته که وینی مسوولیت اصلی خود را آزادی رنگین‌پوستان و محو نژادپرستی می‌دانست.

نلسون ماندلا در سال ۱۹۶۴ به حبس ابد محکوم شد و به زندانی در جزایر روبین منتقل شد. اما وینی متوقف نشد. او به مبارزاتش ادامه داد و حکومت سفید پوست



● وینی مادیکیسلا از آن جمله زنان مبارز بود که در چندین جبهه می‌رزمید. وینی یک زن رنگین‌پوست اهل آفریقای جنوبی بود که به خاطر مبارزات ضد نژادپرستی‌اش لقب «مادر ملت» را گرفته بود. اما در آفریقای جنوبی و خارج از مرزهای آن، نقش وینی در مبارزه علیه آپارتاید برجسته نشد؛ چون شخصیت دیگری که همپای او می‌رزمید سمبول ضد نژادپرستی در جهان شده بود؛ این سمبول کسی نبود جز نلسون ماندلا.

وینی در سال ۱۹۳۶ در آفریقای جنوبی به دنیا آمد و در سن ۸۱ سالگی در سال ۲۰۱۸ میلادی درگذشت. وینی در اوایل جوانی‌اش به عنوان یک مددکار اجتماعی فعالیت می‌کرد. آن روزها آپارتاید در آفریقای جنوبی جدی‌ترین مشکل اجتماعی-سیاسی بود که از سوی سفیدپوستان بر رنگین‌پوستان اعمال می‌شد. وینی تازه ۲۴ ساله شده بود و یک فعال سیاسی بود که با نلسون ماندلا یکی از پیشگامان ضد نژادپرستی آشنا شد و پیمان همسری امضا کرد.

نلسون ماندلا و وینی ماندلا هر دو به عنوان مبارزان ضد آپارتاید به گرایش «ضد حکومتی» متهم شدند که آنروزها مخالفان حکومت «تروریست» خطاب

صایبها را لغو و وی را برای تدریس در دانشکده خلبانی معرفی کرد. بعد از این ماجرا، صایبها تا پایان عمر در پشت کابین خلبانی هیچ هواپیمای نظامی جای نگرفت.



## صایبها، بانوی آسمان

سرگذشت اولین خلبان  
نظامی زن در جهان

حوادث نماند. دیری از آغاز به کار صایبها به عنوان خلبان نظامی نگذشته بود که دولت آنکارا قتل عام صد هزار از شهروندان ارمنی کرد و علوی را در شهر درسیم آغاز کرد. صایبها به دستور مقامات بلندپایه پروازهای مختلفی بر بالای این شهر کرد و البته که ماموریت وی نظامی و شرکت در این جنگ بود. دولت ترکیه بعد از پیروزی در این جنگ علیه غیرنظامیان به او نشان لیاقت داد و اعلام کرد که ملت ترکیه به صایبها افتخار می‌کند؛ چون صایبها به جهان ثابت کرد که دختران جوان ترک توانایی چه کارهای سختی را دارند.

پنج ماه بعد از دریافت مدال، فرمانده ستاد مشترک ارتش در مراسم رقص‌های ملی ترکیه به صایبها گفت: «این زنان رقصنده را ببین، این است کار زن، سرباز ارتش بودن کار زن نیست. زن و مادر در ترکیه باید فرزند سرباز تربیت کند نه اینکه خودش سرباز شود.» از این ماجرا دیری نگذشت که همان فرمانده مجوز خلبانی

ارمنی بود که خانواده‌اش را در نسل‌کشی ارمنیان در سال ۱۹۱۵ از دست داده بود و نام واقعیش «خاتون سبیلیجان» بود و زیر چتر حمایتی عالی‌ترین مقام ترکیه که در سطح جهان بخاطر سیاست‌های مدرن‌سازی جامعه ترک معروف بود، قرار داشت. افشای هویت ارمنی دختر خوانده آتاتورک، سال‌ها بعد جامعه ترکیه آن زمان را به شوک فرو برد. دختر ارمنی الاصلی که قهرمان ملی ترکیه و نماد قدرت زنان آن روز ترکیه شده بود.

در سال ۱۹۳۵ میلادی، یک روز صایبها به همراه آتاتورک در مراسم بازگشایی اولین آموزشگاه خلبانی ترکیه رفته بود، صایبها که مسجور مانور هواپیماهای روسی شده بود، به آتاتورک گفت که تمایل به هدایت هواپیما دارد و همان موقع آتاتورک گفت که شجاعت را تحسین می‌کنم واقعا نام گویکچن (آبی آسمانی) شایسته تو است. بعد از گذراندن دوره‌های آموزش خلبانی، صایبها اولین پرواز در آسمان را به نمایش گذاشت. صایبها در کارنامه کاری خود خلبانی بیش از بیست و دو نوع هواپیمای جنگی و حدود هشت هزار ساعت پرواز را دارد، اما آسمان آبی صایبها برکنار از

اشاره:

ماه مارچ از جمله ماه‌هایی است که در آن زنان تاریخ‌ساز فرصت بروز و ظهور بیشتری یافته‌اند، در این میان شایسته است که از صایبها گویکچن اولین بانوی خلبان هواپیمای جنگنده جهان یاد کنیم که در ۲۲ مارچ ۱۹۱۳ در بورساز از قلمرو امپراطوری عثمانی متولد شد و در ۲۲ مارچ ۲۰۰۱ میلادی در آنکارای ترکیه درگذشت.

ک.نیمرخ: «ای شعرای صاحب دیوان از گورستان‌ها برخیزید و دختران ترک را نگاه کنید که چگونه با روسری و ظاهری پوشیده با چشمانی نافذ با بال‌های آهنین به جنگ ستاره‌های آسمان می‌روند. ای منتقدان و ای مخالفانی که اکنون پشت میله‌های زندان بسر می‌برید، برخیزید و نگاه کنید که چگونه همان زن‌هایی که شما مخالف حضور آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، مدیریتی هستید اینگونه می‌درخشند، چشمانتان را باز کنید و ببینید که یک روز زنان ما نماینده مجلس می‌شوند و روز بعد شاهد زنان هنرمند و مجسمه‌ساز هستیم و امروز هم یک دختر ترک آسمان‌های کشور را در می‌نوردد.»

این مطلع مقاله یکی از نشریات هوا و فضای ترکیه در ستایش صایبها گویکچن، اولین خلبان هواپیمای جنگنده جهان است، دختری که از یتیم‌خانه‌ای در ترکیه با حمایت مصطفی کمال آتاتورک به چنین موقعیتی رسید. نام ترکی و تخلص گویکچن به معنای آبی آسمان را پدر خوانده‌اش، آتاتورک برای وی انتخاب کرد. در واقع صایبها دختر یتیم